

ارائه الگو از روزنامه نگاری شهروندی به منظور گسترش مشارکت مدنی در ایران

■ مهدی خسروشاهی^۱، فائزه تقی پور^۲، رضا ابراهیمزاده^۳

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی و ارائه الگو از روزنامه نگاری شهروندی به منظور گسترش مشارکت مدنی در ایران براساس نظریه داده بنیاد است. براین اساس، داده‌های پژوهش از ۲۵ نفر از صاحب نظران و خبرگان حوزه علوم ارتباطات اجتماعی، با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و به واسطه روش نمونه‌گیری نظری انتخاب و گردآوری شده‌اند. همچنین برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از فرایند کدگذاری نظری به منظور شمارش مفاهیم (مقولات پایه‌ای)، مقولات فرعی و مقولات اصلی استفاده شد. پس از اشباع نظری در مباحث کارشناسی مطرح شده، نتایج پژوهش پیش رو به الگویی مطلوب و جدید که شامل ۱۴ مقوله اصلی، ۴۱ مقوله فرعی و ۵۰۹ مفهوم بود سوق داده شد. بدین منظور، برای اعتبارسنجی مقولات و الگوی برساخته شده، از دو روش ارزیابی به شیوه ارتباطی و تشکیل گروه کانونی یا متمرکز و برای پایایی سنجی در بخش قابلیت تکرارپذیری، از روش ضریب توافق بین دو کدگذار و نیز در بخش قابلیت تعمیم‌پذیری، از شیوه نمونه‌گیری نظری جامع و منظم استفاده شده است.

واژگان کلیدی

روزنامه‌نگاری شهروندی، مشارکت مدنی، نظریه داده بنیاد.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۹

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
Khosrowshahi4@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی گروه مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
Faezeh.taghipour@gmail.com

۳. عضو هیأت علمی گروه مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
ebrahimzadeh2020@gmail.com

مقدمه

از رسانه‌ها همواره به‌عنوان محملی برای افزایش آگاهی و گسترش فرهنگ مشارکت در جامعه یاد می‌شود. رسانه‌های جدید نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند؛ تا آنجا که تحولات فناوریانه و اجتماعی، ظهور و بروز شهروندان روزنامه‌نگار^۱ را به واقعیت‌های اجتماعی پیرامون ما تحمیل کرده‌اند. امروزه شهروندان روزنامه‌نگار، چشم بینای مطالبه‌گر اجتماع‌اند و وجود شبکه‌های اجتماعی اطلاع‌محور، مفهوم قدرت را نرم کرده و مشارکت شهروندان را معنا و مفهومی دیگر بخشیده است؛ تا آنجا که شهروندان، مسئولیت اجتماعی بیشتر و پاسخگویی صاحبان قدرت را خواستارند.

درواقع مفهوم دموکراسی (مردم‌سالاری) همواره و از ابتدای ظهور، با حضور افراد و به عبارتی مشارکت شهروندان نمود پیدا کرده و اندیشمندان این حوزه نیز اغلب در تعاریف و مباحث مربوط، آن را با مقوله شهروندی پیوند داده‌اند (هلد، ۱۳۹۱: ۱۹). از این رو ارسطو^۲ به‌عنوان یکی از نخستین اندیشمندان سیاسی معتقد است: «اعمال حقوق شهروندی تنها در دولتی ممکن است که اکثریت مردم در آن مشارکت داشته باشند» (بشیریه، ۱۳۹۲: ۵۲). ازسویی همواره پایین‌بودن میزان مشارکت شهروندان ایرانی در مسائل اجتماعی و فرهنگی، یکی از مسائل جامعه در حال‌گذار ایران در عصر جدید تلقی شده است تا آنجا که بدون شناخت موانع و برنامه‌ریزی برای ارتقای کم‌وکیف آن، مدیریت تضادهای اجتماعی و ساماندهی نظم و توسعه کشور، اگر غیرممکن نباشد، حداقل بسیار مشکل خواهد بود.

ازسوی دیگر، افزایش دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و رشد قابل توجه امکانات و خدماتی که این فناوری‌ها در اختیار کاربران قرار می‌دهند سبب شده است تا شهروندان عصر اطلاعات، بیش از هر زمان دیگر، بر فرایند ارتباطات تأثیر بگذارند، رسانه‌های جدید را برگزینند و با خواسته‌ها و آرای خود، روند گزینش و برجسته‌سازی اخبار را در رسانه‌های جریان اصلی^۳ تحت تأثیر قرار دهند. در این مسیر، شهروندان خود محتوای موردنظر ارتباطی را تولید و در شبکه‌های اجتماعی^۴، وبلاگ‌های شخصی و رسانه‌های شهروندی^۵ منتشر می‌کنند و به اشتراک می‌گذارند. از این رو روند تولید و نشر

1. Citizens of the Journalist
2. Aristotle
3. Mainstream
4. Social Networks
5. Citizen Media

اطلاعات، رنگ‌ورویی دیگر یافته است.

درواقع رسانه‌های شهروندی رودریگوئز به مردم اجازه می‌دهند تا جهان را با واژگان، صورت‌بندی و ارزش‌های زیباشناسانه خود صدا بزنند (عقیلی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۷۳) و در این شرایط جدید است که جامعه ترغیب می‌شود تا از فرصت‌های نوینی که بر شیوه‌ها و کیفیت زندگی تأثیرات وسیعی می‌گذارند استقبال کند (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۴۹).

در این زیست‌بوم جدید، به دلیل مشارکت مستقیم، مخاطبان رسانه‌ها در سطوح شهروندی و مردمی، فضایی جدید برای تمرین گفتگو میان خویش می‌یابند (Bowman & Willis, 2005) و این پرسش در ذهن شکل می‌گیرد که آیا روزنامه‌نگاری شهروندی و فضای رسانه‌ای شکل‌گرفته برای شهروندان، می‌تواند موجب افزایش مشارکت و گسترش مشارکت مدنی در ایران شود و در نهایت می‌توانیم آن را در قالب الگویی مفهومی ارائه دهیم؟ بنابراین پژوهش پیش‌رو بر آن است تا با رهیافت نظریه داده‌بنیاد، به طراحی الگوی مطلوب از روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور گسترش مشارکت مدنی در ایران بپردازد، چراکه پیشبرد برنامه‌های اصلاح و تغییر اجتماعی و سیاسی، خارج از دایره رسانه‌ها، به خصوص رسانه‌های نوین و فعالیت شهروندان روزنامه‌نگار، شانس برای کنشگری و جلب افکار عمومی ندارند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۳۸۲).

در این بخش سعی خواهد شد ابتدا مروری کوتاه بر تاریخچه و نحوه شکل‌گیری روزنامه‌نگاری شهروندی و تعریفی از مفاهیم اصلی تحقیق انجام شود و آن‌گاه پیشینه تحقیقات انجام‌شده و چارچوب مفهومی مرتبط با آن مورد بررسی قرار گیرند.

روزنامه‌نگاری شهروندی

واژه روزنامه‌نگاری شهروندی برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰ میلادی به کار رفت، اما تجربه آن به سال‌های دورتر بازمی‌گردد. سرعت تحولات فناورانه نیز روزنامه‌نگاری شهروندی را از گذشته متفاوت کرده است تا جایی که می‌توانیم به لحاظ نظری، تلاش‌هایی را که از سوی شهروندان برای اثرگذاری بر فرایندهای اجتماعی و سیاسی از طریق رسانه‌های وقت انجام می‌شود، در چارچوب روزنامه‌نگاری شهروندی جای دهیم (خانیک‌ی و الوندی، ۱۳۹۰: ۸).

روزنامه‌نگاری شهروندی از یک‌گونه روزنامه‌نگاری، مانند روزنامه‌نگاری برخط فراتر رفته است، به صورتی که به آن نوع از روزنامه‌نگاری بازمی‌گردد که اغلب توسط شهروندان غیرحرفه‌ای و بیرون از سازمان رسانه‌ای رسانه‌های جریان اصلی و رسمی تولید می‌شود؛ هرچند امکان دارد حرفه‌ای‌ها نیز در تولید محتوا مشارکت کنند (عقیلی و هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

مشارکت مدنی

بحث از مشارکت را می‌توانیم با این اصل بدیهی آغاز کنیم که هنوع تجربه تاریخی مردم‌سالاری، با حضور و مداخله افراد، گروهها و نهادهای مدنی مختلف و به واسطه عمل به تکلیف شهروندی شکل گرفته است (شیانی، ۱۳۸۹: ۱۵). مشارکت، زیربنای جامعه مدنی است و هیچ‌گاه اهمیت حیاتی خود را برای جامعه‌ای که سودای پیشرفت دارد، از دست نخواهد داد (سروش و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

مشارکت مدنی دربردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرنهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است که در سالهای اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است (ساروخانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۲).

پیشینه پژوهش

مهدی‌زاده و شیفته (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تحقق دموکراسی دیجیتال» انجام داده‌اند که یافته‌های پژوهش، نشانگر میزان استفاده زیاد از شبکه‌های مجازی و خدمات دولت الکترونیک و وجود رابطه بین شبکه‌های اجتماعی، دولت الکترونیک و مردم‌سالاری دیجیتال است.

انواری و دیگران (۱۳۹۸) تحقیقی با عنوان «بررسی فعالیت اجتماعی و فرهنگی روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی دانشجویان» با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که نقش روشنفکران در نهادهای مدنی و سازمانهای اجتماعی غیرسیاسی در شکل‌گیری تفکر و احساس ملی مهم و تأثیرگذار است.

باباخانی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «بررسی روزنامه‌نگاری شهروندی با تکیه بر ارتباطات مجازی» و با استفاده از روش کیوانجام داده‌است که طبق این پژوهش، فرضیه نقش و تأثیر ارتباطات مجازی بر شکل‌گیری روزنامه‌نگاری شهروندی تأیید می‌شود.

الغذی (۲۰۱۴)^۱ در مقاله‌ای دیگر با عنوان «روزنامه‌نگاری شهروندی در خیزش مردم سوریه، مشکلات بیان غربی در بافت محلی»، به بررسی روزنامه‌نگاری شهروندی از نگاه مردم سوریه و در بطن واقعه می‌پردازد. از نظر وی، روزنامه‌نگاری شهروندی در روند دموکراسی جهان عرب مؤثر است و از استفاده از آن توسط تروریست‌ها نگران است. همچنین جیسون کار و میشل بار (۲۰۱۴)^۲ در پژوهشی با عنوان «بررسی اعتبار رسانه‌ای

1. Alghazi

2. Carr, D. J. & Bard, M

در روزنامه‌نگاری جریان اصلی و روزنامه‌نگاری شهروندی در نگاه منتقدان، از اعتبار رسانه‌ای به عنوان عاملی مهم در پذیرش مطالب به وسیله مخاطبان یاد می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که منتقدان رسانه‌ای و سیاسی، برای روزنامه‌نگاری شهروندی اعتبار بیشتر و در مقابل مردم عادی برای روزنامه‌نگاری جریان اصلی اعتبار بیشتری قائل‌اند.

سون گان‌ناه و ماساهیرو یاماماتو (۲۰۱۵)^۱ نیز در پژوهشی با عنوان «بسترسازی اقتباس و استفاده از روزنامه‌نگاری شهروندی در روزنامه‌های آنلاین»، به بررسی این موضوع می‌پردازند که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای تا چه حد از روزنامه‌نگاری شهروندی اقتباس و استفاده می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که تجربه و ساختار کثرت‌گرای جامعه، نقش بسیار مهمی را در استفاده و اقتباس از محتوای ایجادشده توسط کاربران دارند. سونگ جی مین (۲۰۱۶)^۲ نیز در مقاله‌ای با عنوان «گفتگو از طریق روزنامه‌نگاری، جستجو برای سازمان‌دهی اصول روزنامه‌نگاری شهروندی و عمومی»، این موضوع را بررسی می‌کند که جنبش‌های روزنامه‌نگاری عمومی و شهروندی در سالهای اخیر چگونه توانسته‌اند به زندگی با مردم‌سالاری بیشتر منفعت برسانند.

مروری بر سوابق تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی و خارجی، به اهمیت و کارکردهای مختلف روزنامه‌نگاری شهروندی در تحقق مردم‌سالاری دیجیتال، تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی مردم و ابزاری برای بیان صدای خفته مردم بودن دلالت دارند، ولی هیچ‌یک از پژوهش‌های قبلی، الگوی مطلوب از روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور گسترش مشارکت مدنی در ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد را طراحی نکرده‌اند؛ امری که پژوهش پیش‌رو درصدد مطالعه آن است.

مبانی نظری پژوهش

مانوئل کاستلز^۳: جامعه شبکه‌ای و اطلاعاتی

مانوئل کاستلز، جامعه‌شناس اسپانیایی و نویسنده سه‌گانه مهم عصر اطلاعات^۴، برای بررسی و تحلیل جایگاه شهروند جهانی در نظریاتش به خلق و تبیین مفهوم جامعه شبکه‌ای^۵ پرداخته‌است. وی در تبیین باورهای خویش معتقد است: «جوامع به‌طور کلی به واسطه

1. Nah, Sun Gun & Yamamoto, Masahiro
2. Min, Sung Ji
3. Manuel Castells
4. Information Age
5. Network Society

فناوری‌های اطلاعاتی تغییر شکل یافته‌اند و همین عامل سبب خلق دنیای جدیدی شده که وی نام آن را «جامعه شبکه‌ای» می‌گذارد» (خانیک‌ی و کوهستانی، ۱۳۹۴: ۲۸). کاستلز در نظریه جامعه شبکه‌ای خود تأکید می‌کند که ما با جامعه جدیدی مواجهیم که فناوری‌های نوین ارتباطاتی آن را ساخته‌اند. در این جامعه مرزهای سنتی، بومی و رسمی در ارتباطات از میان رفته‌اند و شبکه‌های نهادی گذشته را گرفته‌اند. از خصوصیات مهم جامعه شبکه‌ای، فعالیت جنبش‌هایی بوده است که هویت‌های حذف‌شده و به حاشیه رانده شده را جست‌وجو می‌کند.

وی ارتباطات الکترونیک را فرصتی برای تقویت مشارکت سیاسی و ارتباط افقی میان شهروندان می‌داند. از دیدگاه او، دسترسی مستقیم و هم‌زمان به اطلاعات و ارتباطات رایانه‌ای باعث تسهیل انتشار و اصلاح اطلاعات می‌شود و امکاناتی برای تعامل و مباحثه در عرصه‌های خودمختار و الکترونیک عرضه می‌کند که از امکان پایش توسط رسانه‌ها خارج است. کاستلز معتقد است که این فرایند باعث انعطاف و انطباق‌پذیری عرصه سیاسی می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۴: ۲۵).

درواقع با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌های شهروندی و شبکه‌های اجتماعی، توانمندسازی اجتماعی صورت جدیدی یافته‌است. با این رویکرد، کاستلز مشهورترین اندیشمندی است که «جامعه شبکه‌ای» را در کنار دو مؤلفه دیگر یعنی «فضای جریان‌ها» و «واقعیت مجازی»، به‌عنوان سه مفهوم کلیدی نظریاتش بررسی کرده‌است. بررسی ابعاد مختلف دیدگاه‌های وی به‌خوبی نشان‌دهنده آن است که این دیدگاه‌ها تا چه اندازه می‌توانند به فهم بهتر از کارکردهای روزنامه‌نگاری شهروندی کمک کنند (خانیک‌ی و الوندی، ۱۳۹۰: ۴-۱).

در تعریف جامعه شبکه‌ای کاستلز، از منطق شبکه‌ای و آثار اجتماعی آن سخن گفته می‌شود که در آن «قدرت جریان‌ها» از «جریان‌های قدرت» پیشی می‌گیرد و غیبت یا حضور در شبکه و پویایی هر شبکه در برابر دیگر شبکه‌ها، منابع حیاتی سلطه و تغییر در جامعه‌اند؛ جامعه‌ای که به این ترتیب می‌توانیم آن را به‌درستی جامعه شبکه‌ای بنامیم که ویژگی آن برتری ریخت اجتماعی برکنش اجتماعی است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۴۳). از این منظر، فناوری‌های نوین ارتباطی از طریق امکانات بی‌زمانی و بی‌مکانی‌ای که در اختیار باورها و عقاید مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرار می‌دهند، همواره به تقویت جریان‌های مقاومت در برابر جریان قدرت و سلطه کمک کرده‌اند که این فاصله و بهره‌برداری گروه‌های اقلیت از فناوری برای پوشاندن فاصله ایجادشده، از منظرهای گوناگونی بررسی شده است (Castells, 2007: 238-266).

یورگن هابرماس: حوزه عمومی و گستره همگانی

روزنامه‌نگاری شهروندی در مفهومی گسترده‌تر، بیشتر تغذیه‌کننده و تقویت‌کننده قوه تخیل آزاد و مردم‌سالار است، زیرا دست‌کم، امکان بالقوه‌ای برای تبدیل خبر و روزنامه‌نگاری به

بخشی از «گفتگو» به وجود می‌آورد و موجب تقویت گفتگوی آزاد و مردم‌سالار می‌شود؛ کاری که با آرمان‌های یورگن هابرماس و جیمز کری مطابقت دارد و آنها را بازتاب می‌دهد (گود و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۴). براساس توصیف هابرماس، حوزه عمومی فضایی اجتماعی است که در کنش ارتباطی تولید می‌شود و حوزه عمومی پیرامونی باید مبتنی بر جامعه‌ای مدنی باشد که متشکل از پیوندهای غیرحکومتی، غیراقتصادی و ارتباطات اختیاری است که تکیه‌گاه ساختارهای ارتباطات حوزه عمومی در بخش اجتماعی زیست‌جهان‌اند و این امکان را پدید می‌آورند تا مسائل مشهود در حوزه‌های زندگی خصوصی، در حوزه عمومی گسترش پیدا کنند (Habermas, 1996). درواقع اساس حوزه عمومی، گفتگوی عقلانی و انتقادی است و عموم مردم از طریق گفتگو و تعامل با یکدیگر آن را تشکیل می‌دهند و به تبع آن افکار عمومی شکل می‌گیرند (عبداللهیان و اجاق، ۱۳۸۵). از دیگر ویژگی‌هایی که هابرماس برای حوزه عمومی برمی‌شمرد، مکانی است که برای همه قابل دسترس و بیان و مبادله تجربیات اجتماعی و دیدگاهها در آن ممکن باشد و ویژگی سوم، بازبینی و نظارت نقادانه بر سیاست‌های دولت است (عبداللهیان و شارق، ۱۳۸۶: ۱۳۵). تکیه اصلی هابرماس در تبیین و تعریف حوزه عمومی را می‌توانیم در مفهوم «خیر مشترک» بیابیم. از نظر او، هدف اصلی شکل‌گیری حوزه عمومی این است که میان شهروندان درباره «خیر مشترک» بحث‌های انتقادی عقلانی صورت گیرد و این امر به صورت بندی یا تدوین سلسله اقداماتی منتهی شود که در جهت منافع عموم عمل می‌کنند. در این میان، رسانه‌های جمعی با توجه به تمرکزشان بر انتشار اخبار و تحلیل‌های انتقادی در مورد عملکرد دولت، یکی از ارکان کارآمد حوزه عمومی‌اند (دهقان، ۱۳۸۵).

سالتز نیز با وجود نقدهای ابتدایی از ادغام مقوله اینترنت در مفهوم حوزه عمومی سرمایه‌داری، به این مسئله مهم می‌رسد که حوزه عمومی جایگزین که به لحاظ مفهومی شاید در تقابل با مفهوم سرمایه‌داری قرن هجدهمی آن باشد، می‌تواند از اینترنت به‌عنوان سازوکاری تسهیل‌کننده بهره‌برد. او به شرط هابرماس در این مبحث اشاره می‌کند که معتقد است: «حوزه عمومی جایگزین باید دارای امتیاز بر خورداری از یک وسیله ارتباطی نامحدود باشد که به وسیله آن درک موقعیت‌های مشکل‌آفرین، گسترش اجتماعی‌گفتمانی و امکان بیان هویت‌های جمعی، تفسیر نیازها و کسب مهارت‌ها میسر شود» (سالتز، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

به این ترتیب، هابرماس نه تنها «حوزه عمومی جایگزین» را پذیرفت، بلکه به ظرفیت‌های آن برای به‌چالش کشیدن سلطه نیز اشاره کرد. هابرماس در این مرحله بدبینی‌اش را نسبت به عامه کنار گذاشت و به توده‌های عام به صورت مجموعه‌ای متفاوت و متکثر تأکید کرد؛ توده‌ای که درواقع می‌تواند نسبت به بازنمایی رسانه‌های توده‌ای در جامعه مقاومت کند و دستور کار سیاسی خود را داشته باشد (Waltz, 2005: 19). با این تفکر، استفاده شهروندان از روزنامه‌نگاری

به‌عنوان بستری برای حضور در فضای عمومی هابرماس می‌تواند زمینه مشارکت آنان را در موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم سازد.

جان سرواس: ارتباطات مشارکتی

در دیدگاه جان سرواس (۲۰۰۸)، گفتگو نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق ارتباطات مبتنی بر مشارکت و مردم‌سالاری مشارکتی و در نتیجه حرکت به سوی توسعه بوم‌شناختی دارد (خانیکی و نیک‌خواه‌ایبانه، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

«ارتباطات مشارکتی» که اساس آن مشارکت فعال و آگاهانه مخاطبان و کاربران پیامها به مثابه طرف تعامل یک گفتگوی واقعی و کاربردی است، ادعا دارد که طرح‌های توسعه‌ای در هیچ زمینه‌ای بدون مشارکت مردم موفق نخواهند بود و اجتماعات در پرتو ارتباطاتی از این دست، قادر خواهند بود که از طریق گفتگوهای نزدیک، خود در آموزش و تغییر شرکت کنند. به این ترتیب، این رویکرد ارتباطی، رسانه‌ها را امکان و میدانی برای تسهیل گفتگو میان کنشگران گوناگون در مسیر حلّ یک مسأله یا مسائل مشترک توسعه‌ای می‌داند و در پی سامان دادن کنش‌های شهروندان برای حلّ مشکلی خاص و یا پیشبرد اولویت‌ها و اهداف والاست. طبیعتاً در این‌گونه فعالیت‌های ارتباطی، رسانه‌های متمرکز، پیچیده، پرهزینه و پایش‌شده، جای خود را به رسانه‌های متنوع، متکثر، در دسترس و محلی می‌دهند که در آنها نقش‌های فرستنده و گیرنده پیام مرتباً در حال تغییرند و افقی بودن و تعاملی بودن ارتباطات، به پیوند میان ارتباطات و توسعه، صورت‌بندی‌های جدیدی می‌دهد (خانیکی، ۱۳۹۴: ۲).

مشخصه‌های اصلی الگوی ارتباطات مشارکتی یا سازمانی از دید جان سرواس از این قرار است:

۱. مردم به‌عنوان بازیگران و مشارکت‌کنندگان اصلی اند؛
۲. مردم به‌عنوان هسته اصلی توسعه‌اند؛
۳. تأکید بر گفتگو به جای تک‌صدایی و رهایی به جای از خود بیگانگی است؛
۴. مشارکت با هدف توزیع مجدد قدرت نخبگان و تبدیل جامعه به یک جامعه مردم‌سالار است (Servas, 2008: 408).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توانیم چنین بگوییم که از یک طرف روزنامه‌نگاری شهروندی، فضا را برای گفتگو و مباحثه‌های مردمی گشوده و از نگاه هابرماسی بار مردم‌سالاری گفتگویی و مبتنی بر اجتماع (مجازی و واقعی) را در حوزه عمومی بر دوش کشیده است. از طرف دیگر و با نگاه کاستلزی، روزنامه‌نگاری شهروندی با استفاده از ارتباطات الکترونیک، فرصتی را برای تقویت مشارکت سیاسی و ارتباط افقی میان شهروندان فراهم ساخته است؛ بنابراین، دیگر ارتباطات

یک سوبه و عمودی، کارایی لازم را برای بهبود و ارتقای کیفی ظرفیت‌های موجود ندارند. در چنین وضعیتی، ارتباطات مشارکتی به تعبیر سراوس (۲۰۰۸)، یعنی ارتباطات مخاطب‌محور که افقی و مبادله‌ای و گفتگویی‌اند مطرح می‌شوند؛ امری که شبکه‌های اجتماعی به‌طور عام و روزنامه‌نگاری شهروندی به‌طور خاص بسترهای آن را تسهیل کرده‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش به‌لحاظ ماهیت، در زمره تحقیقات اکتشافی، به‌لحاظ نوع پژوهش کاربردی، به‌لحاظ راهبرد پژوهش، دارای راهبرد استقرایی و به‌لحاظ ماهیت داده‌ها، در زمره طرح پژوهشی کیفی و از نوع نظریه داده‌بنیاد^۱ بر اساس الگو و چارچوب فکری استراوس و کربین (۱۳۹۷) است (نقل از دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۱۳۰). نظریه داده‌بنیاد بر اساس تعریف پدیدآورندگان آن یعنی گلیزر و استراوس^۲، یکی از راهبردهای پژوهش کیفی قلمداد می‌شود که از طریق آن نظریه، بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. به بیان دقیق‌تر، نظریه زمینه‌ای نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به‌صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند (Glaser & Strauss, 1967). در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ هستند و پژوهشگر کار را با نظریه‌ای از قبل در ذهنش شروع نمی‌کند (مگر آنکه منظور او بسط یک نظریه موجود باشد)، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و اجازه می‌دهد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد پدیدار شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۷: ۳۵ - ۳۴). هدف نهایی این راهبرد، ارائه تبیین‌های جامع نظری درباره یک پدیده خاص است که به‌صورت استقرایی از مطالعه آن پدیده حاصل می‌شود. به‌طور کلی این راهبرد، داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی را به مجموعه‌ای از کدها، کدهای مشترک را به مقوله و مقوله‌ها را به نوعی نظریه تبدیل می‌کند (حریری، ۱۳۹۰: ۵۶). به‌طور کلی مراحل انجام نظریه داده‌بنیاد در پژوهش حاضر عبارت‌اند از: تدوین پرسش‌های پژوهش، گردآوری داده‌ها، کدگذاری داده‌ها در سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی و طراحی الگو بر اساس نظریه داده‌بنیاد که مبتنی بر شناسایی عناصر شش‌گانه شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردهای کنش/ واکنش، پیامد و پدیده محوری و ارتباط بین آنهاست. به اعتقاد استروس و کوربین (۱۹۹۸)، کاربرد این الگو، پژوهشگر را قادر می‌سازد تا درباره داده‌ها به‌طور منظم بیندیشد و آنها را به هم مرتبط کند (نقل از ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۵).

1. Grounded theory
2. Glaser & Strauss

جامعه آماری این پژوهش، تمامی خبرگان و صاحب‌نظران علوم ارتباطات اجتماعی اند و از ارائه حجم جامعه آماری و نیز نمونه آماری خودداری می‌شود، چراکه ملاک، دستیابی به اشباع نظری داده‌ها و توافق کلی پیرامون پرسش‌های مرتبط با پدیده مورد بررسی است؛ بنابراین داده‌های پژوهش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از استادان و صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات اجتماعی به اشباع نظری رسیده و مرحله جمع‌آوری داده‌های کیفی متوقف شده است. شیوه نمونه‌گیری نیز بر اساس نمونه‌گیری نظری است که شکلی از نمونه‌گیری هدفمند محسوب می‌شود.

در ادامه، برای اعتبارسنجی (قابلیت اطمینان و باورپذیری) مقولات پایه‌ای، فرعی و اصلی و نیز الگوی برساخته‌شده، از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی (مفاهیم و مقولات فرعی و اصلی احصا شده توسط اعضای مصاحبه‌شونده پایش شد) و تشکیل گروه کانونی و نظرخواهی از استادان و صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات اجتماعی استفاده شده است (فلیک، ۱۳۸۸: ۴۱۵). همچنین به منظور پایایی سنجی (قابلیت تکرار و قابلیت تعمیم‌پذیری) مقولات پایه‌ای، فرعی و اصلی و نیز الگوی برساخته‌شده، از روش ضریب توافق بین دو کدگذار (محقق با محقق همکار) در فرایند کدگذاری استفاده شده است و بنابراین ناهماهنگی‌های به‌وجودآمده، از طریق بازنگری داده‌ها مرتفع شده‌اند. همچنین به منظور قابلیت تعمیم‌پذیری سعی شد تا حد امکان نمونه‌گیری نظری به صورت منظم و جامع انجام شود (اشتراوس و کرین، ۱۳۸۷: ۲۸۴-۲۸۳).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور دستیابی به مقولات اصلی و برساخت الگوی مطلوب از روزنامه‌نگاری شهروندی برای گسترش مشارکت مدنی در ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد، از فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز (کشف مفاهیم)، کدگذاری محوری (کشف مؤلفه‌ها) و کدگذاری گزینشی یا انتخابی (کشف مقولات اصلی) در قالب نظریه گردند تئوری استفاده شد. بدین منظور، در مرحله کدگذاری باز (کشف مفاهیم)، ابتدا داده‌های حاصل از فرایند مصاحبه عمیق با ۲۵ نفر از صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات اجتماعی پس از استخراج، به صورت خط‌به‌خط و به صورت گزاره‌های خبری در ۶۶۵ گزاره تدوین و گردآوری شدند. این گزاره‌های خبری به منظور حذف گزاره‌های خبری مشابه و نامرتب و کم‌اثر، پس از بازخوانی دوباره، به ۵۵۰ گزاره و سپس به ۵۰۹ گزاره خبری مبدل شدند. در این فرایند و به منظور کشف مفاهیم، از کدهای زنده (استفاده از مفاهیمی که مشارکت‌کنندگان به کار برده‌اند) و نیز مفاهیم برخاسته از نوشته‌ها (استفاده

از مفاهیم در نظریه‌های موجود) استفاده شده است. با تعیین و مشخص شدن مفاهیم و مقولات پایه‌ای (۵۰۹ مفهوم)، مرحله کدگذاری باز تمام و فرایند کدگذاری محوری و کشف مقوله‌های دست اول (مقوله‌های فرعی) آغاز شد؛ بنابراین داده‌ها (همان مفاهیم مستخرج از فرایند کدگذاری باز) با شیوه‌های جدید (تلخیص و ترکیب) به یکدیگر پیوند خوردند تا پیوندهای میان مقولات با مقولات فرعی‌شان (مؤلفه‌ها) برقرار شود. منتهی همان‌گونه که در سطور قبل بیان شد، این مرحله و نیز مرحله کدگذاری گزینشی بر اساس عناصر نظریه‌گردد تئوری که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای، پدیده یا مقوله محوری، راهبردهای عمل و پیامدهاست انجام شده تا نظامی منطقی و روشمند درباره داده‌ها و ارتباطشان با یکدیگر ایجاد شود. پس از کدگذاری محوری و کشف مقولات فرعی (۴۱ مقوله)، پژوهش وارد مرحله نهایی یعنی کدگذاری گزینشی یا انتخابی شد. در این مرحله، مقولات اصلی (۱۴ مقوله) به منظور شکل‌گیری چارچوب نظری اولیه، به مقولات فرعی یا همان مؤلفه‌ها که در بخش کدگذاری محوری معرفی شدند مرتبط گردیدند.

در جدول شماره ۱، ابتدا مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری باز، محوری و گزینشی را خواهیم آورد و در ادامه، به دلیل مفصل بودن بیان تمام مفاهیم (۵۰۹ مفهوم)، به ذکر مفاهیم مرتبط با مقوله اصلی «تقویت سرمایه اجتماعی» که شامل دو مؤلفه یا مقوله فرعی «تقویت اعتماد اجتماعی» و «تقویت مشارکت مدنی» است اکتفا می‌کنیم:

جدول ۱. مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری

مقولات اصلی	مقولات فرعی (مؤلفه‌ها)
مقابله با آسیب‌های مرتبط با فضای رسانه‌ای و روزنامه‌نگاری شهروندی	موانع و تهدیدات سیاسی
	موانع و تهدیدات ارتباطی
	موانع و تهدیدات اقتصادی
	حاکم بودن فضای انحصاری و سوءاستفاده از رسانه‌ها
	بی‌اعتمادی به روزنامه‌نگاری شهروندی
	عدم پشتوانه علمی در روزنامه‌نگاری شهروندی
	عدم مشروعیت و نگاه منفی به روزنامه‌نگاری شهروندی
	بی‌اعتمادی به روزنامه‌نگاری سنتی
توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	نفوذ و قدرت فضای مجازی
	توسعه فناوری‌های ارتباطی

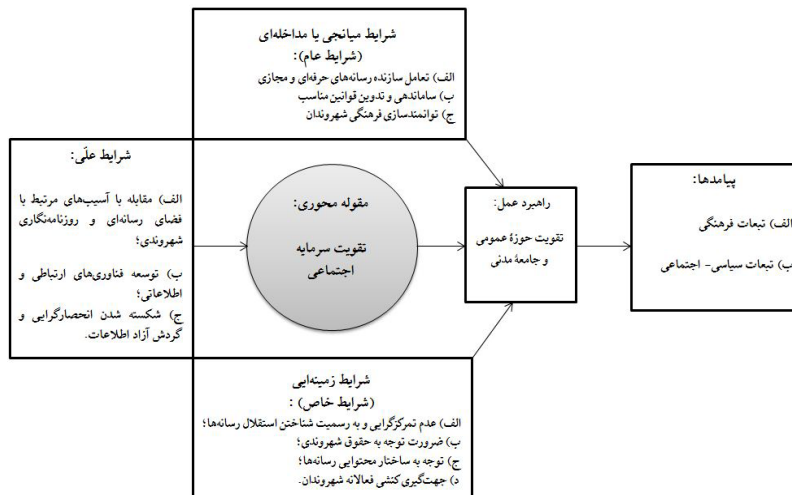
از میان رفتن تمرکزگرایی در حوزه رسانه‌ای	شکسته شدن انحصارگرایی و گردش آزاد اطلاعات
دسترسی آسان به اطلاعات	
فراهم کردن زیرساخت ارتباطی از سوی دولت	
کاهش اقتدار دولت‌ها در فضای رسانه‌ای	عدم تمرکزگرایی و به رسمیت شناختن استقلال رسانه‌ها
پذیرش استقلال و آزادی عمل رسانه‌ها	
عدم نهادینه شدن حق آزادی و برابری	ضرورت توجه به حقوق شهروندی شهروندان
نهادینه کردن حقوق شهروندی	
به رسمیت شناختن حقوق شهروندی از سوی دولت	
تولید محتوا در روزنامه نگاری شهروندی	توجه به ساختار محتوایی رسانه‌ها
جریان سازی محتوای مفید و مناسب در فضای مجازی	
تمایل شهروندان به تولید محتوا در روزنامه نگاری شهروندی	جهت گیری کنشی فعالانه شهروندان
مردمی بودن محتوای روزنامه نگاری شهروندی	
تکامل و معنایابی شهروندان در تعامل با فضای مجازی	
ترکیب رسانه سنتی و مجازی	تعامل سازنده رسانه حرفه‌ای و مجازی
جایگزین بودن رسانه‌های مجازی	
شفاف سازی و اصلاح قوانین	ساماندهی و تدوین قوانین مناسب
تدوین قوانین موجد آزادی‌های مدنی	
تغییر نگرش منفی نسبت به مشارکت اجتماعی	
ارتقای سواد رسانه‌ای و آموزش شهروندان	توانمندسازی فرهنگی شهروندان
تقویت آگاهی‌های اجتماعی شهروندان	
تقویت اعتماد اجتماعی	
تقویت مشارکت مدنی	تقویت سرمایه اجتماعی
تقویت نهادهای مدنی	
نهادینه کردن فرهنگ گفتمانی	تقویت حوزه عمومی و جامعه مدنی
تقویت روحیه مطالبه‌گری	
تقویت گستره همگانی و تفاهم بین‌الذاتی	
تقویت روحیه انتقادی شهروندان	
باز هویت‌یابی اجتماعی	تبغات فرهنگی
تغییر و جهت‌گیری سبک زندگی شهروندان	
تسهیل روند دموکراسی در جامعه	تبغات سیاسی - اجتماعی
مشروعیت بخشی دولت‌ها	

جدول ۲. نمونه‌ای از گزاره‌های تلخیص شده برای ساخت مقولات فرعی و اصلی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	گویه‌ها و گزاره‌های تلخیص شده
تقویت سرمایه اجتماعی	تقویت اعتماد اجتماعی	بی‌اعتمادی در تعاملات اجتماعی ایرانیان
		تقویت اعتماد در میان شهروندان
	تقویت مشارکت مدنی	تقویت اعتماد رسانه‌ای
		اعتبار رسانه در گرو صحبت صریح با مردم
تقویت سرمایه اجتماعی	تقویت مشارکت مدنی	پایین بودن میزان مشارکت اجتماعی شهروندان
		ضرورت توجه و پذیرش مشارکت مردم
		نهادینه‌سازی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی
		بسترسازی برای مشارکت شهروندی با توسعه روزنامه نگاری شهروندی
		اعتقاد به سهم افراد در اداره جامعه

تقویت اعتماد اجتماعی شامل گزاره‌هایی چون بی‌اعتمادی در تعاملات اجتماعی ایرانیان، تقویت اعتماد در میان شهروندان، تقویت اعتماد رسانه‌ای و اعتبار رسانه در گرو صحبت صریح با مردم است و **تقویت مشارکت مدنی** شامل گزاره‌هایی چون پایین بودن میزان مشارکت اجتماعی شهروندان، ضرورت توجه و پذیرش مشارکت مردم، نهادینه‌سازی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، بسترسازی برای مشارکت شهروندی با توسعه روزنامه نگاری شهروندی و اعتقاد به سهم افراد در اداره جامعه است که در جدول شماره ۲ به آنها اشاره شده است.

برآیند مطالعات در این پژوهش منجر به شکل‌گیری الگوی زیر شده است:



شکل ۱. طراحی الگو از روزنامه نگاری شهروندی به منظور گسترش مشارکت مدنی در ایران

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها که با هدف طراحی الگوی مطلوب از روزنامه‌نگاری شهروندی به منظور مشارکت مدنی در ایران انجام شده‌اند، بر نتایج زیرادعان دارند:

مقابله با آسیب‌های مرتبط با فضای رسانه‌ای و روزنامه‌نگاری شهروندی، یکی از شرایط علمی توسعه روزنامه‌نگاری شهروندی در ایران است که مقولات فرعی مانند موانع و تهدیدات سیاسی، موانع و تهدیدات ارتباطی، موانع و تهدیدات اقتصادی، حاکم بودن فضای انحصاری و سوءاستفاده از رسانه‌ها، بی‌اعتمادی به روزنامه‌نگاری شهروندی، نبود پشتوانه علمی در روزنامه‌نگاری شهروندی، عدم مشروعیت و نگاه منفی به روزنامه‌نگاری شهروندی و بی‌اعتمادی به روزنامه‌نگاری سنتی را در خود جای داده است. برای تحلیل، واکاوی و بررسی موانع و تهدیدات سیاسی، ارتباطی و نیز فضای انحصاری حاکم بر رسانه‌ها و سوءاستفاده از آنها می‌توانیم به نظرات دکتر حسن نمک‌دوست‌تهرانی اشاره کنیم که با استناد به آرای یورگن هابرماس و اندیشه‌های انتقادی او معتقد است که ارتباطات افقی میان شهروندان، جای خود را به ارتباطات عمودی میان رسانه‌های توده‌ای که اغلب تحت تأثیر دولت، سرمایه و مشتری‌اند داده و فضا برای ارتباطات مشارکتی تنگ‌تر شده است. وی در بخشی دیگر از سخنانش از نبود پشتوانه علمی و نگاه منفی به روزنامه‌نگاری شهروندی در جامعه می‌گوید و خواستار پایان یافتن فضای انحصاری در رسانه‌هاست: «صداوسیما و رسانه‌های دولتی سیطره خود را بر تمام رسانه‌ها گسترانده‌اند و باید فضا برای فعالیت رسانه‌های خصوصی فراهم شود. روزنامه‌نگاری شهروندی در پی انحصار رسانه‌ها و خواست و نیاز مردم برای ارتباط بدون واسطه شکل گرفته است.»

دکتر مهدی جلیلی، فارغ‌التحصیل دکتری ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبایی، با تأیید این موضوع، به اندیشه‌های آدورنو و هورکهایمر درباره صنعت فرهنگ و حرکت به سوی جامعه‌ای به شدت دولتی شده اشاره می‌کند و خواستار برطرف شدن موانع و تهدیدات ارتباطی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه است. او به صراحت در بخشی از مصاحبه خود اعلام می‌کند: «موانع و تهدیدات سیاسی، ارتباطی، اقتصادی و اجتماعی باید در جامعه کمتر و کمتر شوند و شهروندان روزنامه‌نگار، بدون واژه به کار خود ادامه دهند. آنها خود سازوکارهای محیط رسانه‌ای‌شان را ایجاد می‌کنند و احتیاجی به دخالت دولت‌ها نیست.»

توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی یکی دیگر از شرایط علمی توسعه روزنامه‌نگاری شهروندی در ایران است که شامل مقولاتی فرعی مانند نفوذ و قدرت فضای مجازی و توسعه فناوری‌های ارتباطی است. دکتر ظهیر احمدی، دانش‌آموخته دکتری ارتباطات دانشگاه امام صادق و استاد دانشگاه، در بخشی از مصاحبه خود، با اشاره به این موضوع معتقد است: «یکی از دلایل رشد روزنامه‌نگاری شهروندی در ایران، افزایش استفاده از فضای مجازی

خصوصاً با استفاده از گوشی‌های موبایل است تا حدی که حتی در روستاهای کوچک نیز بخشی از اطلاع‌رسانی‌ها از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود.» همچنین شکسته شدن انحصارگرایی و گردش آزاد اطلاعات که خود شامل مقولاتی فرعی مانند از میان رفتن تمرکزگرایی در حوزه رسانه‌ای، دسترسی آسان به اطلاعات و فراهم کردن زیرساخت ارتباطی از سوی دولت است، به عنوان یکی دیگر از شرایط علی روزنامه‌نگاری شهروندی قلمداد می‌شود. در این زمینه نیز دکتر یوسف خجیر، رئیس دانشکده پژوهش‌های ارتباطی دانشگاه سوره معتقد است: «قطعاً توسعه زیرساخت‌های ارتباطی که دولت مستقیم یا غیرمستقیم در آن دخیل بوده است، باعث گسترش روزنامه‌نگاری شهروندی و شکل‌گیری مفهوم شهروند روزنامه‌نگار شده است.» علاوه بر آن، عدم تمرکزگرایی و به رسمیت شناختن استقلال رسانه‌ها که شامل مقولاتی فرعی مانند کاهش اقتدار دولت‌ها در فضای رسانه‌ای و پذیرش استقلال و آزادی عمل رسانه‌هاست؛ به عنوان شرایط زمینه‌ای در الگوی بر ساخته ما شناسایی شده است؛ بدین ترتیب که دولت‌ها باید برای ماهیت و مختصات فضای مجازی احترام قائل شوند، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در فضای مجازی را به رسمیت بشناسند و از هرگونه مداخله دستوری و تجویزی در رسانه‌های شهروندی جداً پرهیز کنند؛ چنانکه دکتر نمک‌دوست‌تهرانی به شدت در مصاحبه خود تأکید می‌کند: «فضای مجازی و تعامل شهروندان در شبکه‌های اجتماعی، تجویزی و دستوری نیست و دستوری بودن به این محیط لطمه می‌زند.»

ضرورت توجه به حقوق شهروندی شهروندان، به عنوان یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای شناسایی شده در الگوست که شامل مقولاتی فرعی مانند نهادینه‌نشدن آزادی و برابری، نهادینه‌کردن حقوق شهروندی و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی از سوی دولت‌هاست. دکتر کردی که دارای دکتری ارتباطات از دانشگاه آزاد اسلامی و استاد دانشگاه آزاد تهران شمال است، در این زمینه معتقد است: «روزنامه‌نگاری شهروندی در جامعه ما می‌تواند به ابزار و بستری برای مطالبه حقوق شهروندی مبدل شود و دولت‌ها می‌توانند بسترهای قانونی و معرفتی را برای این موضوع فراهم کنند. احترام به فضای مجازی و مخاطبانی که در آن به فعالیت و تولید محتوا می‌پردازند و آگاهی بخشی به آنها، گام‌هایی مؤثر در این زمینه‌اند که البته فراهم کردن بسترهای قانونی به وسیله دولت‌ها برای به رسمیت شناختن فضای مجازی، تولید و نشر محتوا و فعالیت شهروندان را می‌طلبد تا اطلاعات به عنوان کالایی اجتماعی و نه اقتصادی در دسترس شهروندان قرار گیرد. البته این مهم جز با تصویب قانون جامع رسانه‌ای و اصلاح ساختارهای سیاسی و اجتماعی محقق نخواهد شد. آزادی بیان، آزادی انتخاب محتوا، برابری در برابر قانون و... از جمله حقوق شهروندی و در این راستاست.»

از دیگر شرایط زمینه‌ای این الگو می‌توانیم به ساختار محتوایی رسانه‌ها و توجه ویژه به آنها

اشاره کنیم که این موضوع، مقولاتی فرعی مانند تولید محتوا در روزنامه‌نگاری شهروندی، جریان‌سازی محتوای مفید و مناسب و نقش و اهمیت تولید محتوا از سوی شهروندان در ترغیب مشارکت اجتماعی را در برمی‌گیرد. در این زمینه نباید از نقش بارز روشنفکران در جهت‌گیری محتوای روزنامه‌نگاری شهروندی غافل باشیم. دکتر عقیلی، استاد ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی، در این خصوص معتقد است: «تمامی شهروندان می‌توانند دست به تولید محتوا بزنند و این تولید محتوا از آن رو که باعث شکوفایی فردی و اجتماعی آنها می‌شود، برای مشارکت شهروندان در سایر فعالیت‌های اجتماعی نیز زمینه‌ساز است که البته نباید از نقش روشنفکران و صاحبان فکر در تولید محتوا غافل شویم که اغلب به جریان‌سازی رسانه‌ای منجر می‌شود.» در ادامه می‌توانیم به جهت‌گیری کنشی و فعالانه شهروندان به عنوان شرط زمینه‌ای نهایی الگو اشاره کنیم که شامل مقولاتی فرعی مانند تمایل شهروندان به تولید محتوا در روزنامه‌نگاری شهروندی، مردمی بودن محتوای روزنامه‌نگاری شهروندی و تکامل و معنایابی شهروندان در تعامل با فضای مجازی می‌شود. باید بیفزاییم که این شرط، روزنامه‌نگاری شهروندی را برخاسته از نیاز شهروندان و شکل‌گیری روزنامه‌نگاری شهروندی را به واسطه‌ی علاقه‌مندی شهروندان به گفتگوی آزاد و بی‌واسطه تلقی می‌کند. دکتر ضیایی فر، دانش‌آموخته‌ی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، در این زمینه معتقد است: «شهروندان در راستای نیاز به دانستن و گفتگوی آزاد و بدون واسطه، علاقه‌مند به روزنامه‌نگاری شهروندی می‌شوند و در تعامل با یکدیگر در فضای مجازی، به تکامل و معنایابی از خویش و دیگری می‌پردازند که مشارکت نیز جزئی از آن است.» تعامل سازنده‌ی رسانه‌های حرفه‌ای و مجازی نیز که شامل مقولاتی فرعی مانند ترکیب رسانه‌های سنتی و مجازی و بحث جایگزین بودن رسانه‌های مجازی است، به عنوان شرایط مداخله‌ای در این الگو مطرح می‌شود. با این نگاه، شکل‌گیری گستره‌ی همگانی، به تعامل سازنده بین رسانه‌های حرفه‌ای و شهروندی وابسته است، چراکه فضای رسانه‌ای، فضایی یکپارچه است و رسانه‌های جایگزین در امتداد رسانه‌های جریان اصلی مطرح می‌شوند. دکتر پیشدار، روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه سوره، در این راستا بر این باور است: «فضای رسانه‌ای فضای یکپارچه و یکدستی است و روزنامه‌نگاری سنتی و شهروندی، در راستای هم و برای تکمیل هم هستند و جدایی میان آنها قائل تصور نیست و نمی‌توانیم پیشرفت یکی را در راستای اضمحلال دیگری ببینیم.» از دیگر شرایط مداخله‌ای می‌توانیم به ساماندهی و تدوین قوانین مناسب در فضای مجازی اشاره کنیم که شامل مقولاتی فرعی مانند شفاف‌سازی و اصلاح قوانین و تدوین قوانین موجد آزادی‌های مدنی می‌شود؛ بنابراین از یک سو دولت‌ها باید به کم‌کردن موانع قانونی به منظور دسترسی آسان به فضای مجازی و رسانه‌های شهروندی مبادرت کنند و از سوی دیگر تصویب قانون و توسعه فرهنگ دسترسی آسان به اطلاعات، در کنار وضع مقررات برای چگونگی مشارکت در فضای مجازی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. خانم دکتر کردی که در زمینه

حقوق مطبوعات و رسانه‌های جمعی پژوهش کرده است، در این زمینه معتقد است: «دسترسی آسان و بدون فیلتر به اطلاعات، از پیش شرط‌های دستیابی به مردم‌سالاری است که زمینه‌ساز مشارکت شهروندان است. در این زمینه، اصلاح یا تصویب قوانین الزام‌آور ضروری و فرهنگ‌سازی برای نحوه مشارکت توسط دولت‌ها کمک‌کننده خواهند بود.» در نهایت، توانمندسازی فرهنگی شهروندان به‌عنوان مقوله سوم شرایط مداخله‌ای در طراحی الگوی حاضر مطرح می‌شود که خود شامل مقولاتی فرعی مانند تغییر نگرش منفی نسبت به مشارکت اجتماعی، ارتقای سواد رسانه‌ای و آموزش شهروندان و تقویت آگاهی‌های اجتماعی شهروندان است؛ یعنی دولت‌ها ضمن فراهم کردن زمینه مشارکت مردم در امور مختلف جامعه، با تقویت آگاهی‌های اجتماعی و از بین بردن حس بدبینی در مردم نسبت به مقوله مشارکت اجتماعی، باید به تقویت و ارتقای سواد رسانه‌ای شهروندان از طریق آموزش مبادرت ورزند. دکتر کیا، مدیر گروه و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، در این زمینه معتقد است: «دولت‌ها وظیفه سترگی در نهادینه‌سازی حس مشارکت در شهروندان بر عهده دارند. افزایش آگاهی‌های عمومی و سواد رسانه‌ای مردم باید به‌طور مداوم و همه‌گیر دنبال شود و البته فراهم‌سازی زمینه‌های مشارکت صحیح، مهم‌تر و حیاتی‌تر است.»

اما پدیده یا مقوله محوری شناسایی شده در الگوی پیش‌رو، تقویت سرمایه اجتماعی شهروندان است. این مقوله اصلی خود شامل مقولاتی فرعی مانند تقویت مشارکت مدنی و تقویت اعتماد اجتماعی است. دکتر جعفری، جامعه‌شناس و مردم‌شناس، در این زمینه معتقد است: «سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای مفروض، دربرگیرنده نهادها، روابط، نظرگاهها و ارزش‌هایی است که برکنش و واکنش‌های بین مردم حاکم‌اند و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهمی دارند و روزنامه‌نگاری شهروندی نیز در تعمیق این کنش‌ها و ارتباطات میان افراد، نقش بسزایی دارد، به دلیل اینکه سبب ارتباط مستقیم و بدون واسطه میان افراد جامعه می‌شود. با این تلقی و تفکر، روزنامه‌نگاری شهروندی به دلیل جهت‌گیری از پایین به بالا در فرایند مشارکت اجتماعی، موجب تسری اعتماد از شکل خاص به شکل عام، علاقه‌مندی شهروندان به موضوعات اجتماعی و نهادینه‌کردن مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی خواهد شد که موضوعی بسیار قابل تأمل است.» راهبرد عمل در الگوی ارائه شده، تقویت حوزه عمومی و جامعه مدنی است. این مقوله اصلی نیز شامل مقولاتی فرعی مانند تقویت نهادهای مدنی، نهادینه‌کردن فرهنگ گفتگویی، تقویت روحیه مطالبه‌گری، تقویت گستره همگانی و تفاهم بین‌الذهانی و تقویت روحیه انتقادی در شهروندان است. بدین ترتیب، روزنامه‌نگاری شهروندی به واسطه تولید محتوا توسط شهروندان، موجب نهادینه‌شدن فرهنگ گفتگو در مردم، دستیابی به خیر جمعی و کنش‌های اجتماعی همسو، ارتقای روحیه مطالبه‌گری شهروندان و نقد عملکرد دولت‌ها می‌شود. این امر، تقویت حوزه

عمومی و جامعه مدنی را در بر خواهد داشت. در گفتگو با دکتر نمک دوست تهرانی، به این موضوع اشاره شده است: «روزنامه نگاری شهروندی حتماً باعث بهتر شدن شکل گفتگوها در جامعه و شکل گیری کنش های همسو می شود، آنجایی که هدفی که مورد مطالبه عموم است مطرح می شود که گاه این موضوع در نقد عملکرد دولت ها، به خصوص در کشورهایی مثل کشور ما به دلیل مصالحی بعضی از مشکلات در رسانه های نوشتاری یا صداوسیما مطرح نمی شوند که همین موضوع یعنی تقویت جامعه مدنی.»

در نهایت می توانیم به پیامدهای کاربست راهبرد عمل اشاره کنیم که شامل دو مقوله اصلی تبعات فرهنگی و تبعات سیاسی-اجتماعی اند. در مقوله تبعات فرهنگی می توانیم به مقوله هایی فرعی مانند بازهویت یابی اجتماعی و تغییر و جهت گیری سبک زندگی شهروندان و در مقوله تبعات سیاسی-اجتماعی به مقولاتی فرعی مانند تسهیل روند مردم سالاری در جامعه و مشروعیت بخشی به دولت ها اشاره کنیم. دکتر پیشدار با اشاره به این موضوع چنین نوشته است: «شبکه های اجتماعی به طور عام و روزنامه نگاری شهروندی به طور خاص، عرصه ظهور هویت های خاموش اند و از سوی دیگر، به کمک فضای باز اطلاع رسانی، حق انتخاب و داشتن سبک های زندگی متنوع را به عموم مردم می دهند.» علاوه بر این، روزنامه نگاری شهروندی در تقویت مشارکت و تعمیق مردم سالاری در دنیای واقعی، نقشی بی بدیل دارد و به دلیل تولید قدرت از طریق تولید محتوا، باعث افزایش مشارکت های اجتماعی شهروندان و دستیابی به توسعه خواهد شد؛ موضوعی که تقریباً تمام مشارکت کنندگان در این پژوهش به نوعی بدان اشاره داشته اند.

منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۹۰). *روش های کاربردی تحقیق، کاربرد نظریه بنیاد*، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- استراوس، انسلم و جولیت کریبن (۱۳۹۷). *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای)*، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- استراوس، آنسلم و کریبن، جولیت (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنايي*، ترجمه بیوک محمدی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الوندی، پدram (۱۳۹۴). *روزنامه نگاری شبکه ای*، تهران: انتشارات ثانیه.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲). *درس های دموکراسی برای همه*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- حریری، نجلا (۱۳۹۰). *اصول و روش های کیفی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فتحی، کورش و سکینه واحدچوکده (۱۳۸۸). *آموزش شهروندی در مدارس*، تهران: نشر آبیژ.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴). *عصر اطلاعات؛ قدرت، هویت*، ترجمه علی پایا و حسن چاووشیان، جلد

دوم، تهران: طرح نو.

کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). **عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای**، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز،

جلد یکم، چاپ سوم، تهران: طرح نو.

گود، لوک و دیگران (۱۳۹۳). **روزنامه‌نگاری شهروندی و دموکراسی**، ترجمه محمود سلطان‌آبادی،

چاپ اول، تهران: انتشارات ثانیه.

معمدثزاد، کاظم (۱۳۸۳). **وسایل ارتباط جمعی**، جلد نخست، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

هلد، دیوید (۱۳۹۱). **مدل‌های دموکراسی**، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

خانیکی، هادی (۱۳۹۴). **روزنامه‌نگاری کنشگر، روزنامه‌نگاری شهروندی، عصر اطلاعات**، ۸

اردیبهشت.

الوندی، پدram (۱۳۸۸). رسانه‌های شهروندی در ایران، الگوها و روندهای شکل‌گیری روزنامه‌نگاری

شهروندی در فضای مجازی، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی،

دانشکده علوم اجتماعی، ص ۸۳.

انواری، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۸). «بررسی فعالیت اجتماعی و فرهنگی روشنفکران در شبکه‌های

اجتماعی مجازی و تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه به روش پدیدارشناسی)»،

فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵۵: ۲۰۶-۱۷۳.

باباخانی، شیدا (۱۳۹۱). **بررسی روزنامه‌نگاری شهروندی با تکیه بر ارتباطات مجازی**، پایان‌نامه

کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.

خانیکی، هادی و پدram الوندی (۱۳۹۰). «روزنامه‌نگاری شهروندی؛ رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی»،

فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، شماره ۱: ۲۵-۱.

خانیکی، هادی و مرضیه کوهستانی (۱۳۹۴). «روزنامه‌نگاری کنشگر چشم‌اندازی نو در ارتباطات توسعه،

مطالعه موردی: رسانه‌ای شدن میراث فرهنگی در ایران»، **فصلنامه رسانه**، شماره ۳: ۳۸-۲۵.

خانیکی، هادی و علیرضا نیکخواه‌ایبانه (۱۳۹۴). «مبانی و مؤلفه‌های روزنامه‌نگاری گفتگو، بررسی

دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه گفتگو، استادان ارتباطات و روزنامه‌نگاران»، **مطالعات فرهنگی**

و ارتباطات، شماره ۳۸: ۱۵۵-۱۲۱.

دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی، تأملی بر نظریه‌پردازی

داده‌بنیاد»، **اندیشه مدیریت**، شماره ۲: ۹۷-۶۹.

دهقان، علیرضا (۱۳۸۵). «روزنامه‌نگاری الکترونیک: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، **دوفصلنامه مجله**

جهانی رسانه، شماره ۲: ۲۵-۱.

ساروخانی، باقر و محمد امیرپناهی (۱۳۸۵). «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی»،

پژوهش زنان، شماره ۳: ۶۰-۳۱.

سالتر، لی (۱۳۸۳). «دموکراسی، جنبش‌های نوین و اینترنت»، ترجمه پیروز ایزدی، **فصلنامه رسانه**،

شماره ۵۹: ۱۶۳-۱۳۳.

سروش، مریم و حسین افراسیابی (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز»، **دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهش جوانان فرهنگ و جامعه**، شماره ۵: ۱۵۵-۱۲۳. شیانی، ملیحه (۱۳۸۹). «مشارکت اجتماعی کودکان»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۷: ۲۹-۱۵. عبداللهیان، حمید و سیده زهرا اجاق (۱۳۸۵). «نقش جریان‌های هویت‌ساز روشنفکری در توسعه حوزه عمومی ایرانی، تیپولوژی روشنفکران»، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۴: ۲۶-۳.

عبداللهیان، حمید و مرضیه شارق (۱۳۸۶). «نشر الکترونیک، چالش‌ها و فرصت‌ها: مطالعه روزنامه‌نگاری الکترونیک»، **نامه صادق**، شماره ۳۱: ۵۶-۳۸.

عقیلی، سیدوحید و سیدعرفان هاشمی (۱۳۹۱). «مطالعه و بررسی روزنامه‌نگاری شهروندی در حوزه عمومی مجازی و جایگزین»، **فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه**، شماره ۳: ۱۸۸-۱۳۹.

کوهستانی، مرضیه (۱۳۹۰). **الگوهای روزنامه‌نگاری کنشگر در فضای رسانه‌های جدید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

مهدی‌زاده، شراره و منصوره شیفته (۱۳۹۸). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تحقق دموکراسی دیجیتال؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران»، **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۵۵: ۱۵۱-۱۳۱.

Bowman, S. & Willis, C. (2005). The Future is Here, But Do News Media Companies See It? **Nieman Reports**. 4(59), 6-11.

Castells, M. (2007). Communication, Power and Counter-power in the Network Society. **International Journal of Communication**. pp. 238-266.

Glaser, B. & Strauss, A. (1967). **The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research**. Mill Valley, CA: Sociology Press.

Habermas, J (1996). **Between facts and Norms: contribution to a discourse theory of law and democracy**. trans by W.Rehg. Polity.

Johnson, L. and Morris, P. (2010). Towards a framework for critical citizenship education. **Curriculum Journal**. 21(1), pp. 77-96.

Rodriguez, C. (2008), **Citizen's Media**. In W. Donsbach (Ed.), The International Encyclopedia of Communication Vol.

Servas, J. & Patchanee, M. (2008). **Development Communication Approaches in an International Perspective**. In J. Servas, Communication For Development and Social Change (p. 428). New Dehli: Sage Publications.

Waltz, M. (2005). **Alternative and Activist Media**. Edinburgh: Edinburgh University Press.